خواستگاری

زن از مرد

Ketabton.com

دنیای اسلام سایه سبز تمدن مترقی

۱۳۹۴

تتبع، نگارش و نوشته از:
الحاج امین الدین « سعیدی ـ سعید افغانی »

www.masjed.se

(c) ketabton.com: The Digital Library

بسم الله الرحمن الرحیم

خـواستگاری زن ازمرد

خواستگاری :

خواستگاری مرحله ای است که قبل از ازدواج صورت می پذیرد این مرحله عبارت از آن است، زمانیکه مرد میخواهد با زن مورد نظرش ازدواج کند به نزد اقارب وخویشاوندان ونزدیکان زن رفته وخواهش خویش را مبنی بر ازدواج بیان میدارد، وبا ایشان به بحث وگفتگو در مورد موافقت با خواسته اش وشرایط آن می پردازد ، که از جانب فامیل دختر قبول ویا هم به ادای کلمات مناسب ودوستانه رد میگردد .

علماء بدین عقیده اند که بهتر این است که قبل از انعقاد عقد ، دختر وپسر ، در صورتیکه در حرام واقع نشوند ، همدیگر را ببیند تا دل های شان بسوی هم جلب شود ومحبت وعلاقه در بین آنان به وجود آید ، تا هنگامی که کار از کار می گذرد پیشمان نشوند.

این عده از علماء بدین عقیده اند که ، عدم رؤیت همسر قبل از ازدواج یکی از اسباب جدایی و طلاق بشمار می رود . بخصوص زمانی که مرد متوجه شود که همسرش از نظر حسن جمال بر خلاف آن چیزی است که در موردش با او صحبت کرده اند.

بنابراین شریعت اسلامی به مرد این اجازه را داده است که قبل از ازدواج، همسر آینده اش را ببیند؛ رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: « إِذَا خَطَبَ أَحَدُكُمْ الْمَرْأَةَ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مَا يَدْعُوهُ إِلَى نِكَاحِهَا فَلْيَفْعَلْ، فَإِنَّهُ أَحْرَى أَنْ يُؤْدَمَ بَيْنَهُمَا » ابو داود(2082) (هرگاه یکی از شما از زنی خواستگاری نمود و می توانست به محاسن او نگاه کند، این کار را بکند تا انگیزه ی ازدواجش با این زن بیشتر شود؛ زیرا نگاه کردن به همسر آینده سبب ایجاد الفت و دوستی می شود و در آینده، زندگی موفقی خواهند داشت.)

ترمذی و نسائی و ابن ماجه از مغیرة بن شعبه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت نموده اند که ایشان از زنی خواستگاری نمود رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ایشان فرمود: «انْظُرْ إِلَيْهَا فَإِنَّهُ أَحْرَى أَنْ يُؤْدَمَ بَيْنَكُمَا» (به همسر آینده ات نگاه کن؛ زیرا این کار در ادامه ی زندگی مشترک بهتر است و بین شما دوستی و موفقیت به ارمغان خواهد آورد).

امام مسلم در صحیح خود روایت می کند که مردی برای رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد که از زنی خواستگاری نموده است؛ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از او پرسید: «أَنَظَرْتَ إِلَيْهَا» (آیا او را دیده ای وبه او نگاه کرده ای؟)

مجموعه این احادیث بیانگر این امر است که نگاه کردن به نامزد قبل از ازدواج، جایز است و باید این گونه باشد؛ زیرا این کار موفقیت را برای زندگی به ارمغان می آورد و زندگی را سرشار از موفقیت و شادی می گرداند.

لازم است که ولی وسرپرست ، (از قبیل پدر ، جد وبرادر و.....) موافقت زن خواستگار شده را که به سن بلوغ رسیده برای ازدواج با مرد خواستگار بدست

(c) ketabton.com: The Digital Library

آورد دراین مورد پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید : « الثیب آحق بنفسها من ولیها والبکر تستامر وإذنها سکوتها »(بیوه زن مصلحت خود را بهتر از ولی وسرپرستش میداند ، و دوشیزه هم باید برای ازدواج از او اجازه گرفته شود. وهمینکه دو شیزه سکوت نمود) واعراض نکرد سکوتش به معنی اجازه است)هر یك از طرفین مرد وزن بعد از خواستگار ی واعلان موافقت ، میتواند پیشمان شوند واگر یکی از آنها پیشمان شد هدایایی که به یکدیگر داده اند وبا قیماندنی است ، مانند طلا جات وزینت آلات باید مسترد گردد ، اما چیز های که قابل دوام نیست ، مانند شیر ینی وغذا وعطر های صرف شده چیزی بابت آنها پرداخت نمیگردد

نکاح نیمه :

خواننده محترم !

در این اواخر در کشور عزیز ما افغانستان معمول طوری گردیده است که ، در دوران خواستگاری نوعی از عقد بین خواستگار وولی دختر انعقاد می یابد که بنام « نکاح نیمه » در بین مردم ما شهرت یافته است ، این نوع از نکاح نیمه هیچگونه اصل واساس در شرع اسلامی نداشته واز دید فهم شرع عمل ناروا وبازکردن راه نارو بین دختر وپسر میباشد .

دراین هیچ جای شک نیست که در نکاح نیمه یک نوع ایجاب و قبول غلط و ناروا در بین وکیل دختر ووکیل پسر صورت میگیرد، بادر نظرداشت اینکه در این پروسه ایجاب وقبول دونفر شاهد حضور هم میداشته باشند ولی میگویند این شاهدان برای امور پروسه خواستگار ی میباشد.

در این پروسه ایجاب و قبول شاهد ان به نزد دختر نمي‌روند، بلکه صرف ایجاب و قبول غلط میان پدر عروس یا برادرش و میان داماد و یا پدر داماد ، آنهم صیغه های غیر عقد نکاح صورت مي‌گیرد.

این نوع ایجاب و قبول که بنام نکاح نیمه در میان مردم ما رواج یافته است مخالف شریعت اسلامي بوده وبا تمام صراحت باید گفت : در شریعت اسلامي نکاح نیمه هیچ وجود نداشته ، در شرع اسلامی ، یا نکاح کامل است و یا هم هیچ نکاح نیست.

با تاسف باید گفت : این نوع نکاح های نیمه راهي را براي داماد براي انجام اعمال ضد شرعي باز مي‌کند، زیرا از نگاه شریعت اسلامي تا وقتي‌که دختر در عقد نکاح صحیح وشرعی جوان نیامده باشد، با وي اختلاط و درخانه تنها نشستن ناروا مي‌باشد، ولي آنان بخاطر اینکه این جریمه را براي خود حلال ساخته باشند ، بنام « نکاح نیمه » آن جوان به منزل عروس رفته و یاهم با وي به هرجایي مي‌رود، درحالیکه او با وي کاملا نامحرم است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

خواستگاری زن از مرد :

مطابق عروف مروج در جهان اسلام وبخصوص در کشور عزیز ما افغانستان طوریکه در فوق یاداورشدیم : معمولآ همین است که ، مرد ها به خواستگاری میروند ، در مورد اینکه آیا زن هم میتواند مانند مرد مراسم خواستگاری را برای شریک زندگی خویش بعمل ارد ویا خیر ؟

در جواب باید گفت که : این مساله قبل از اینکه از فهم شرعی ، حقوقی وقانونی مورد تحلیل وارزیابی قرار گیرد ، بهتر است از دید مساله فرهنگی توضیحاتی در زمینه داده شود .

در این جای شکی نیست که در بخشی از جوامع بشری از جمله در کشور بزرگی هندوستان مرسوم است که فامیل دختر به فامیل پسر پیشنهاد ازدواج را ارائه مینماید ویا هم از طرف خانواده دختر پیشنهاد می شود که ما آمادگی داریم که دخترخویش را به ازدواج پسر شما درآوریم. در چنین فرهنگ هایی خواستگاری زن از مرد از منزلت زن کم نمی کندو حتی اگر جواب از طرف خانواده مرد منفی باشد باعث سرشکستگی فامیل دختر هم محسوب نمیگردد ، ولی جواب رد ازلحاظ روانی برای دختر نوعی از شکست بحساب می اید .

در تاریخ اسلام از جمله در داستان دختران حضرت شعیب (علیه السّلام) و حضرت موسی در می یابیم که : حضرت شعیب به موسي (علیه السّلام)پیشنهاد کرد و گفت: « من مي خواهم يكي از دو دخترم را به همسري تو در آورم به شرط آن كه هشت سال براي من كار كني و اگر تا ده سال كار خود را افزايش دهي، محبّتي از طرف توخواهد بود ، من نمي خواهم كار سنگيني بردوش تو نهم، ان شاء الله مرا از شايستگان خواهي يافت».

و موسي (علیه السّلام ـ) با پيشنهاد شعيب (علیه السّلام) موافقت كرد.

همان طور كه بيان شد، از شرطي كه حضرت شعيب (علیه السّلام) براي ازدواج موسي (علیه السّلام) با صفورا، دخترش قرار داد و حضرت موسي (علیه السّلام) هم اين شرط را قبول نمود، برمي آيد كه موسي (علیه السّلام) از قبل خواستار ازدواج با دختر شعيب نبي (علیه السّلام) بوده است و گرنه زير بار چنين شرطي نمي رفت: گذشته از اين كه در اين مورد دو پيامبر حضور دارند. از طرفي ديگر حضرت موسي (علیه السّلام) مدت زيادي در خانة حضرت شعيب(علیه السّلام) زندگي كردند و حضرت شعيب (علیه السّلام) از صفات اخلاقي مثبت و روحيات حضرت موسي خبر داشتند و مي دانستند كه حضرت موسي با دخترشان تناسب هاي زيادي با هم دارند و بالاترين آنها تناسب در ايمان و ديندارى بود. حضرت موسي نيز داراي سجايا و صفات اخلاقي والايي بودند و اگر نمي خواستند با دختر حضرت شعيب ازدواج كنند حتماً به شكلي منطقي برخورد مي كردند كه از نظر روحي آسيبي به دختر حضرت شعيب نخورد؛ نيز احتمال دارد كه حضرت شعيب اين مسأله را دور از نظر دخترانشان مطرح كرده اند؟! اگر جواب منفي باشد به آنها ضربه اي نخورد.

ولی بصورت کل در جوامع امروزی خواستگاری مرد از زن به یک امر عرفی مبدل گردیده است ،اما از لحاظ شرعی هیچگونه ممانعتی در امر خواستگاری زن از مرد

(c) ketabton.com: The Digital Library

وجو نداشته زن میتواند از مرد مورد نظر خویش خواستگاری وبر زندگی مشترک خویش ادامه دهند .

خواننده محترم !

درایه « فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ) (سورة النساء/3) اگر توجه بعمل بیاوریم با صراحت خاصی در می یابیم که در ایه متبرکه پروردگار با عظمت به مرد خطاب نموده وبه اصطلاح زمام امور نکاح را به مرد اعطا کرده است.

وحتی در موارد طلاق هم زمام امور همانطوریکه آغاز آنرا به مرد سپرده وختم انجام آنرا که طلاق است به مرد سپرده است طوریکه میفرماید : « وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاء ...» (آیه 231 سوره بقره) بنآ بصورت کل دیده میشود که مرد همانطوریکه در موقع ازدواج به دنبال زن میرود وخواستگار میکند وامور خانوادگی را ترتیب وسر وسامان می بخشد ز مام امور طلاق را نیز پروردگار با عظمت بدست مرد سپرده است

طوریکه فقها میفرمایند : «الطلاق بید من أخذ بالساق؛ طلاق به دست کسی است که در ابتدای ازدواج دست زن را گرفت (با او ازدواج کرد».

ناگفته نباید گذاشت که از جهت قانون طبیعت نیز چنین است که از ابتدای خلقت همیشه بر اساس فطرت خدادادی، مردان به دنبال ازدواج با زنان و به خواستگاری آنان میرفتند. به تعبیر دیگر: مردان طالب و زنان مطلوب بودند.

ولی طوریکه متذکر شدیم شرع اسلامی وقانون شرعی هیچ مانعی را در آن نمی بیند که زن از مرد مورد نظر خویش خواستگاری نمایند .ولی وقار زنانه مانع از اقدام آشکار زنان در این باره می گردد. همچنان در الفاظ عقد نکاح وازدواج اگر نظر به اندازیم در می یابیم که حتی این کلمات والفاظ به کلمه زوجتک یعنی «به تزویج در آوردم تو را» شروع شده که از طرف زن نسبت به مرد خطاب می شود.

همچنان در مورد مهر قرآن عظیم الشان میفرماید : واتوا النسا ء صد قاتهن نحلة فإن طبن لكم عن شي منه فكلوه هنياً مرئياً »

(سوره نسا ء آیه :۴)(ومهريه هاي زنان را به عنوان هديه اي خالصانه وفريضه اي خدايانه بپردازيد. پس اگر با رضايت خاطر چيزي از مهريه خود را به شما بخشيدند ، آن را (دريافت داريد و)حلال وگوارا مصرف كنيد).بادرنظر داشت اینکه مهر حق زن است ولی اعطای آن به مرد که خواستگار است تعلق گرفته است .

ولی عرف جامعه امروزی طوریکه متذکر شدیم همین است که مردان به عنوان خواستگاری نزد زن می روند و از آنها تقاضای همسری می نمایند، مفسرین میفرمایند که :این هم یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت است که در غریزه مرد نیاز و طلب و در غریزه زن ناز و جلوه قرار داده است.

وضعف جسمانی زن را در مقابل نیرومندی جسمانی مرد،با این وسیله جبران کرده است.

البته سرشت وطبیعت زن و مرد اموری نیستند که بخواهیم تحت عنوان دفاع از حقوق ، آن را کنار گذاشته و به زن بودن و مرد بودن خود با تمام خصوصیات جسمی و روحی پشت کنیم و حتی سعی در تغییر این خصوصیات به سمت جنس مخالف داشته باشیم! به

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیانی روشن باید گفت خلاف حیثیت و مقام زن است که به دنبال مرد برد.ولی این مساله برای مرده ساده واسانی تلقی میشود وبرای مرد قابل تحمل هم است که از زنی خواستگاری کند و جواب منفی بشنود و از زن دیگری خواستگاری کند و جواب رد بشنود تا بالاخره زنی رضایت خویش را به همسری با او اعلام کند،اما برای زن که می خواهد محبوب و معشوق باشدقابل تحمل و موافق غریزه نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیانا جواب رد بشنود و سراغ مرد دیگری برود.
همچنان خواستگاری مستقیم زن از مرد مورد علاقه، عوارضی دارد که در نهایت از نظر روانی و شخصیتی و حیثیت اجتماعی و خانوادگی به ضرر زن تمام می شود.
بخصوص اگر زن در خواستگاری خویش از مرد جواب منفی در یافت بدارد زیرا زنان از نظر عاطفی و هیجانی در عین حال که در سطح بالاتری از مردها میباشند ولی از لحاظ شکنندگی آنها هم به همین میزان از نظر عاطفی بیشتر از مردهاست.
بنابراین زیباترین شکل خواستگاری در تمامی فرهنگ ها و مذاهب تقاضای مرد از زن است.
این موارد مخصوص جامعه ما نیست که طبق رسم و عادت قدیمی، خانواده پسر به خواستگاری دختر می روند. حتی این سنت ریشه در تاریخ هزاران ساله بشریت دارد.
خواستگاری پسر از دختر از فطرت مرد و زن نشأت می‌گیرد و مرد همیشه خواهان است و زن خوانده.
ولی در تاریخ اسلامی حالاتی هم وجود دارد که زن شخصاً خواستار ازدواج شده اند از جمله در حدیثی سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه میگوید: « إِنِّی لَفِی الْقَوْمِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم ، إِذْ قَامَتِ امْرَأَةٌ فَقَالَتْ : یَا رَسُولَ اللَّهِ ! إِنَّهَا قَدْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لَکَ ، فَرَ فِیهَا رَأْیَکَ . فَلَمْ یُجِبْهَا شَیْئًا . ثُمَّ قَامَتْ فَقَالَتْ : یَا رَسُولَ اللَّهِ ! إِنَّهَا قَدْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لَکَ ، فَرَ فِیهَا رَأْیَکَ . فَلَمْ یُجِبْهَا شَیْئًا . ثُمَّ قَامَتِ الثَّالِثَةَ فَقَالَتْ : إِنَّهَا قَدْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لَکَ ، فَرَ فِیهَا رَأْیَکَ . فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ : یَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْکِحْنِیهَا . قَالَ هَلْ عِنْدَکَ مِنْ شَیءٍ ؟ قَالَ : لاَ . قَالَ : اذْهَبْ فَاطْلُبْ وَلَوْ خَاتَمًا مِنْ حَدِیدٍ . فَذَهَبَ فَطَلَبَ ثُمَّ جَاءَ فَقَالَ : مَا وَجَدْتُ شَیْئًا وَلاَ خَاتَمًا مِنْ حَدِیدٍ . فَقَالَ : هَلْ مَعَکَ مِنَ الْقُرْآنِ شَیءٌ ؟ قَالَ : مَعِی سُورَةُ کَذَا وَسُورَةُ کَذَا . قَالَ : اذْهَبْ فَقَدْ أَنْکَحْتُکَهَا بِمَا مَعَکَ مِنَ الْقُرْآنِ» بخاری (5149) باب : التزویج علی القرآن . ورواه مسلم (1425). وفی روایةٍ قَالَ لَهُ : « انْطَلِقْ فَقَدْ زَوَّجْتُکها فَعَلِّمْها مِنَ القُرْآن». وفی روایة للبخاریّ : « أَملکَنّاکَهَا بمَا مَعَکَ مِنَ القُرْآنِ».
ولأبی داودَ عَنْ أَبی هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : « مَا تحْفَظُ؟ » قَالَ : سُورةَ البَقَرَة والّتی تلیها، قَالَ : « قُمْ، فَعَلِّمْهَا عِشْرینَ آیَة».
یعنی: «زنی به حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد وگفت: ای پیامبر خدا، من، نفس خود را به توبخشیدم، آن زن برخاست و مدتی از آن‌گذشت، مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا اگر خود بدان نیازی نداری، او را به عقد نکاح من درآور، پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: چیزی داری که مهریه او قرار دهی؟ اوگفت: جز این جامه چیزی ندارم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر جامه‌ات را به وی بدهم، تو بدون جامه می‌نشینی، چیزی دیگر بجوی گفت: چیزی نمی‌یابم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: چیزی را پیدا کن ولو اینکه یک حلقه انگشتری فلزی باشد. او جستجوکرد و بالاخره

(c) ketabton.com: The Digital Library

چیزی نیافت. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا چیزی از قرآن را یادگرفته‌ای؟ اوگفت: فلان سوره و فلان سوره... را یادگرفته‌ام و نام آنها را برد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: او را به ازدواج تو درآوردم و مهریه او را آنقدر قرآن قرار دادم‌که یادگرفته‌ای‌که به وی بیاموزی». به روایت بخاری و مسلم.

و در یک روایت مسلم آمده : «برو او را به ازدواج تو در آوردم ، پس تو چیزی از قرآن به او یاد بده».

و در یک روایت بخاری آمده : «تو را مالک او گردانیدم در بدل آنچه از قرآن یاد داری». متفق علیه و لفظ مسلم است .

و در روایت ابو داود ازابوهریره آمده : «چقدر از قرآن حفظ داری؟» گفت: سوره بقره و سوره بعد از آن را حفظ دارم، فرمود: « برخیز بیست آیه به او آموزش بده».

پایان

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library